

### ۹ منارسی در بسیاری از کشورهای اروپایی به دلیل اهمیت تعلیم و تربیت، تعطیل نشده بود

برخی اتفاقات رخ داده در دانشگاه‌ها طی بیش از دو ماه اخیر تعجب بسیاری از فعالان آموزش عالی و استادان را برانگیخت؛ تحلیل شما از تغییر رفتار قشر دانشجوی چیست؟ نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی در اصلاح این روند چه خواهد بود؟

این نقد بسیار پیچیده و چندبعدی است که عوامل مختلفی دارد. اگر به یکی، دو بعد اشاره کنم، نافی ابعاد دیگر نیست. بهار سال جاری انتظار داشتیم در دانشگاه‌ها یک سری اتفاقات رخ دهد. دلیلش هم این بود که حس می‌کردیم در دوران پساکرونا، اتفاقاتی جدی خواهیم داشت. بالاخره نوجوانان ما به مدت سه سال در محیط‌های در بسته با کاهش روابط اجتماعی و انسانی، در فضایی فرو رفته بودند که هیچ قاعده و قانونی نداشت. خارج از فضای دینی، انقلابی و اخلاقی، اگر از یک روانشناس با فضای فکری کاملاً سکولار می‌پرسیدید: «تحلیل شما از فضایی که دانش‌آموزان و دانشجویان به مدت سه سال در آن حضور داشتند، چیست؟» قطعاً هشدار خطر می‌داد.

بسیاری از کشورهای اروپایی در دوران کرونا به جز موارد خیلی خاص، مدارس خود را تعطیل نکردند و باز نگه داشتند؛ چراکه مساله تعلیم و تربیت نوجوانان و دانشجویان را مهم می‌دانستند. ما مدارس و دانشگاه‌ها را به‌طور کامل تعطیل کردیم و برنامه‌های مکملی نیز نداشتیم. افراد از لحاظ شخصی و اجتماعی تحت فشارهای روانی زیادی بودند. اتفاقات فراوانی رخ داد و سیستم جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان ما در دوره‌ای سه‌ساله مختل شد.

دلیل دیگر به نظام تکنور برمی‌گردد. وضعیت طبقاتی عجیبی در نظام دانشگاهی ما پدید آمده است. نمی‌خواهم بگویم این نکته به لحاظ علمی کاملاً دقیق بوده و خدشه‌ای به آن وارد نیست ولی بالاخره مطرح شده است. شاید در حدی کلی، چهره‌ای از ماجرابی که اتفاق می‌افتد را به ما نشان می‌دهد. حدود ۸۵ درصد افرادی که وارد دانشگاه شریف می‌شوند از دهک پولدار جامعه هستند. فرآیندها را به‌گونه‌ای چیدیم که نوعی تضاد و شکاف طبقاتی جدی در حوزه آموزش کشور ایجاد شده و تبعات خودش را در دانشگاه‌های جدی ما نشان می‌دهد. عمدتاً افرادی در دانشگاه شریف حضور دارند که از طبقه اجتماعی خاصی هستند. خلقیات و رفتارهایی که در این طبقه دیده می‌شود، امکان دارد اتفاقی عمومی در سطح کل طبقات نبوده و نماینده تمامی جامعه نباشد اما این اتفاق رخ داده است و باید برای این مساله به نحوی تدبیر کرد.

### ۹ کلان پروژه دولت دوازدهم خصوصی سازی آموزش و پرورش بود

تکنه سوم، ضعف ما در حوزه‌های خرد و کلان فرهنگی است. باید این ضعف را بپذیریم. هزینه‌های فرهنگی در کشور ما به نسبت «جی‌دی‌پی» در مقایسه با خیلی از کشورهای دیگر کمتر است. برخی از جناح‌های سیاسی و نخبگان فضای عجیب و غریبی ایجاد کرده‌اند. به‌طور مثال اگر بخواهید یک ریال در هزینه فرهنگ خرج کنید، طوری تبلیغ می‌کنند گویی هزینه‌ای اضافی است. یادتان هست در دولت قبل، تبلیغات عجیبی علیه مجموع هزینه‌ها برای آموزش و پرورش صورت گرفت. کلان پروژه دولت قبل این بود که آموزش و پرورش را تا جایی که می‌توانند خصوصی کنند و از حالت دولتی دریاورند. از دید ما این نوع رویکردها و فعالیت‌ها به صورت کلان، به کشور آسیب می‌زند. اتفاقاتی که هم‌اکنون می‌بینیم بخشی از آن آسیب‌ها محسوب می‌شود. با بحث‌هایی که صورت گرفت، دولت فعلی همت‌هایی کرد. حدود ۱۱ درصد از بودجه کشور در سال گذشته متعلق به آموزش و پرورش بود و دولت مستقر این عدد را به ۱۴ درصد رساند. دولت، نسبت بودجه آموزش و پرورش را افزایش داد که اتفاق مناسبی است. اگر بتوان این آهنگ رشد را در طول چند سال حفظ کرد، امیدواریم اصلاحی در آموزش و پرورش صورت گیرد.

مضوبه رتبه‌بندی معلمان نیز مربوط به ۱۰ سال قبل است. دولت‌های متعددی آمدند و بی‌اعتنا به این مضوبه رفتند. بخشی از مشکلات کنونی جامعه ما ناشی از بی‌توجهی دولت‌های قبلی به آموزش و پرورش است. دولت آقای رئیسی همت کرده و کار را آغاز کرد. دولت مستقر با وجود کم و زیاد، معضلات و مشکلات، در مسیری قدم گذاشته تا ان‌شاءالله بتواند مساله‌ای را حل کند که مشکل ۱۰ ساله کشور بوده است. دولت می‌خواهد از طریق بازسازی در حوزه آموزش و پرورش، تغییرات مثبتی در حوزه تربیت، آموزش و جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان کشور انجام بدهد.

معتقد هستید که نمی‌توان راهکارهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای وضعیت

فضای عمومی کشور می‌توان گفت تعداد رشته‌ها تقریباً نزدیک به هیچ است. اینجا نیز باید بازسازی صورت بگیرد تا بتوانیم نیروهای بهتری را برای این حوزه تربیت کنیم.

### ۹ مگر این از زاویه‌ای به مسائل نگاه می‌کنند که سیاستگذاران آن نگاه را ندارند. عملکرد دستگاه‌ها در همکاری و هماهنگی لازم با شورای عالی انقلاب فرهنگی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من شاید جوان‌ترین عضو شورای عالی محسوب باشم. یک سال بیشتر نیست به این فضا وارد شده‌ام و شاید نتوانم به خوبی ارزیابی کنم اما مورد بسیار نامطلوب و مقاومت جدی ندیدم. البته همیشه بین دستگاه‌های مجری و سیاستگذار، تضادهایی وجود دارد. مجریان از زاویه‌ای به مسائل می‌نگرند که شاید سیاستگذاران از آن زاویه به موضوعات نگاه نکنند. بر سر افزایش ظرفیت پزشکی، همه دستگاه‌های مرتبط را جمع کرده و با آنها صحبت کردیم. هرکدام از زاویه متفاوتی به ماجرا نگاه می‌کردند. ما به‌عنوان دستگاه سیاستگذار تلاش کردیم با نزدیک کردن دیدگاه‌های همه جوانب ماجرا به یک نقطه بهینه‌تر دست یابیم؛ نقطه‌ای که منافع کشور را تأمین کند. خارج از این روال طبیعی، نکته نامطلوبی ندیده‌ام.

### ۹ بخشی از روشنفکران همچنان تصور می‌کنند از سر تا نوک پا باید فرنگی شویم

مهم‌ترین جایی که می‌توان برنامه‌های فرهنگی را پیاده کرد، نظام آموزش عالی با توجه به قشر حاضر در دانشگاه است. اولویت‌هایی که برای نظام آموزش عالی باید در شورای عالی انقلاب فرهنگی پیگیری شود، چیست؟

من جای مهم‌تر از آموزش عالی را آموزش و پرورش می‌دانم اما اگر بخواهیم راجع به آموزش عالی صحبت کنیم، دو نکته خیلی جدی وجود دارد. اول: دانشگاه‌ها موتور محرکه پیشرفت جامعه، هم سخت‌افزاری، هم نرم‌افزاری، هم فناوری، هم تولید فکر و ادبیات نظری هستند. شما می‌بینید طیفی از نخبگان غرب‌زده در حوزه‌ای که ادبیات‌پردازی می‌کنند بر این موضوع تمرکز دارند که ما ذاتاً ملتی رده دو یا سه هستیم و امکان پیشرفت درون‌زا را نداریم. تعدادی از نخبگان این کشور بر این مینا نظریه‌پردازی می‌کنند. از دوره مشروطه تا به امروز هم بوده‌اند. جمله معروفی تقی‌زاده این بود که «ما از فرق سر تا نوک پا باید فرنگی شویم تا پیشرفت کنیم». هنوز هم عده زیادی چنین فکر می‌کنند. چه کسی باید مقابل آنها بایستد؟ چه کسی باید روحیه خودباوری به لحاظ نظری را به جامعه تزریق کند؟ دانشگاه‌ها و اندیشمندان ما هستند که در دانشگاه‌ها نشسته‌اند. این نکته درخصوص حوزه حرکت روی مرز فناوری‌های موجود در دنیا و تلاش برای برقراری ارتباط با صنایع نیز صدق می‌کند. صنایع به معنای «محل بروز تکنولوژی‌ها و اقتصادی شدن این فناوری‌ها با نوآوری‌ها» مدنظر است. آنها می‌خواهند در کشور زمینه ایجاد شغل و ثروت را فراهم کنند.

نکته دوم: کوشش برای تربیت نیروی انسانی در این حوزه است. دانشگاه‌ها محلی هستند که نسل بعدی افراد حرفه‌ای متقاضی ورود به بازار کار را تربیت می‌کنند. این تربیت هم باید حرفه‌ای باشد و هم منجر به این نقطه شود که دانشجویها به حضور در این کشور افتخار کنند. نیروی انسانی باید به تاریخ، فرهنگ و مردم ایران تعهد پیدا کنند و از وظایف خود در قبال کشور خودشان آگاه باشند. آنها باید حاضر باشند برای پیشرفت کشورشان ایثار و فداکاری کنند. این دو اتفاق باید با همدیگر رخ بدهند تا دانشگاه‌ها در نقطه بهینه خود قرار بگیرند.

### ۹ نهایی کردن آیین‌نامه جدید ارتقای استاد بدو سال دیگر زمان نیاز دارد

نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی در این میان کجا است؟ آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیات‌علمی نیز تدوین شد. برای سامان بخشی به این مصوبه چه کردید؟ این آیین‌نامه هم جزء همان سندهای زیرساختی آموزش عالی است. این بحث نیز از جمله مباحثی نیست که بگوییم به سرعت امکان نتیجه‌بخشی دارد. آیین‌نامه‌ای برای ارتقا داشتیم که حدود ۲۰ سال کار می‌کند. تجربیاتی از اجرای این آیین‌نامه به دست آمده و البته اصلاحاتی نیز در این مدت انجام شده است. اکنون رویکرد و کلان‌ایده اصلی برای اصلاح آیین‌نامه این است که ما از ظرفیت فعالیت‌های علمی، نظری، فکری و اندیشه‌ای دانشگاه به‌صورت مستقیم برای حل مشکلات کشور استفاده کنیم. استادی نسبت به استادان دیگر، ارزش و برجستگی بیشتری دارد که مجموعه فعالیت‌هایش به حل مشکلات کشور کمک کند؛ این ایده اصلی نظام تحولی در آیین‌نامه ارتقا محسوب می‌شود. البته نسخه‌های پیش‌نویسی را وزارت علوم آماده کرد. نسخه‌ها یک بار به شورای عالی آمد، مورد نقد قرار گرفت و برگشت. فکر می‌کنم یکی دو سال دیگر طول بکشد تا بتوانیم آیین‌نامه را به صورت نهایی ارائه کنیم.